

تعاونیها دچار رکود گردید و این وضعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ادامه یافت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توجه به امر تعاون به عنوان یکی از محورهای اصلی دستیابی به عدالت اجتماعی مطرح و حاصل این استناد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین گردید.

بر اساس بند دو اصل

چهل و سوم قانون

اساسی، جهت تأمین

استقلال اقتصادی باید شرایط

و امکانات کار برای همه به

منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار

دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که

قادر بکارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل

تعاونی فراهم گردد. همچنین بر اساس اصل چهل

و چهارم قانون اساسی، بخش تعاونی به عنوان یکی از

سه بخش نظام اقتصادی کشور تعیین گردیده است. در

همین راستا و در سال ۱۳۵۸، مراکز گسترش تعاونیهای

نولیسی و خدماتی با تصویب شورای انقلاب جهت ایجاد اشتغال

برای جویندگان کار و حل مشکل بیکاری، تحت پوشش وزارت

کشور به وجود آمدند.

رشد چشمگیر و نقش حساس تعاونیها به خصوص در زمان

جنگ تحمیلی این واقعیت را به اثبات می‌رساند که تعاونیها در

صورت حمایت و تعیین خط مشی اساسی برای آنها، راه حلی

اساسی در جهت رفع نابسامانیهای اقتصادی از جمله فقر، بیکاری،

توزیع ناعادلانه ثروت و جلوگیری از تمرکز و تدوین ثروت،

کاهش تصدیگری دولتی، ایجاد اشتغال و نهایتاً گسترش مسط و

عدل اجتماعی می‌باشند. به همین سبب در سال ۱۳۷۰ قانون

بخش تعاونی اقتصادی ج.ا.ا از تصویب مجلس شورای اسلامی

گذشت و به تبع آن وزارت تعاون به منظور اجرای مفاد قانون

موصوف تشکیل گردید.

این مختصر سعی بر آن دارد تا با نیم نگاهی به وضعیت موجود

و روند شکل‌گیری تعاونیها، به بررسی شرایط آرمانی و وضعیت

مطلوب تعاونیها پرداخته و راهبردهای بنیادی برای توسعه بخش

تعاون ترسیم نماید.

۱- وضعیت موجود

با بررسی اجمالی در نحوه شکل‌گیری تعاونیها در قبل و بعد از

انقلاب اسلامی در می‌یابیم که اصولاً بخش تعاونی در این دو

مقطع دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده و صرفاً با هدف

بزراری و برای مرتفع نمودن چالشهای مقطعی بدان توجه شده

است.

کلیات راهبردهایی برای توسعه

تعاون و

همکاری از

ابتدای خلقت

بشر تا کنون همواره

در اشکال مختلف

وجود داشته است.

گروهی انسان را مدنی‌الطبع

می‌دانند و جمع‌گرایی را جز

فطرت وی به شمار می‌آورند.

در کشور ایران که از تمدن

کهنسالی برخوردار است تعاون و

همکاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی

و اقتصادی و در همه جوامع عشایری،

روستایی و شهری به چشم می‌خورد. تعالیم دین

مبین اسلام که همواره مشوق همیاری، همکاری و

تعاون می‌باشد به این فرهنگ ریشه‌دار در کشورمان

ارزش والایی بخشیده است.

● مجید محتشمی

اولین قوانین مدون در مورد تشکیل تعاونیها در ایران به موادی از قانون تجارت مصوبه ۱۳۰۳ برمی‌گردد. سپس در سال ۱۳۱۱ و در اصلاحیه همان قانون، تعاریف مستقلی از شرکتهای تعاونی تولید و مصرف به تصویب می‌رسد. از سالهای ۱۳۲۰ به بعد و به دلیل بروز مشکلات متعدد اقتصادی و مقارن با جنگ جهانی دوم که عارض کشور ما نیز گردیده بود، تشکیل تعاونیهای مصرف توسعه پیدا کرد. آن‌گاه در اولین لایحه مستقل شرکتهای تعاونی که در خرداد سال ۱۳۳۲ به تصویب دولت رسید وزارت کار، سازمان برنامه و بانک کشاورزی مأمور اجرای آن شدند. در ادامه آن، شرکتهای تعاونی در تاریخ ۱۳۳۴/۵/۱۱ در ۱۱ ماده به تصویب رسید که وزارتخانه‌های کار، دارایی، کشور، کشاورزی، سازمان برنامه و بانک کشاورزی متولی اجرای آن شدند به استناد قانون مزبور، کلیه شرکتهای تعاونی که طبق این قانون تشکیل می‌شدند، می‌بایست اساسنامه خود را به تصویب شورای عالی تعاون کشور برسانند.

از سالهای ۱۳۴۰ به بعد تعاونیهای روستایی شکل منسجم‌تری به خود گرفته و متعاقب آن در سال ۱۳۵۰ اولین قانون شرکتهای تعاونی در ۱۴۹ ماده به تصویب رسید و درخصوص تشکیل و ثبت انواع شرکتهای اتحادیه‌های تعاونی و اساسنامه آنها تعاریف جامعی ارائه گردید. مع الوصف به دلیل گسترش سرمایه‌داری افسارگسیخته در سالهای پس از ۱۳۵۰، توجه به تشکیل و توسعه

بکار، ضرورت تسریع در روند توسعه پایدار مناطق مختلف کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

انجام سیاستهای توسعه پایدار، ابزاری در جهت کاهش و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای و اختلاف درآمدی در رسیدن به برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و ملی می‌باشد، در این راستا مشارکت گسترده و مستقیم مردم در برنامه‌ریزی توسعه و نیز اجرای طرح‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح مناطق مختلف کشور، موجب فائق آمدن بر آسیب‌های ناشی از فقر، بیکاری و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت خواهد شد. از آن گذشته گرچه برنامه‌ریزی برای توسعه مناطق مختلف کشور امکان‌پذیر می‌باشد اما اجرای مناسب آن به علت فقدان یک نهاد اجرایی نیرومند و مردمی مشکل به نظر می‌رسد.

با بررسی وضعیت کنونی تعاونیها و روند شکل‌گیری و تکوین بخش تعاونی در بین سایر بخشهای اقتصادی کشور، مشاهده می‌شود آن چه که خمیرمایه و ریشه نگرش وضعیت موجود در استقرار تعاونیها در نظام اقتصادی کشور می‌باشد با آنچه که به عنوان وضعیت مطلوب و قابل انتظار می‌باشد، فاصله طولانی دارد. بررسیها نشان می‌دهد تشکیل بسیاری از تعاونیها از گذشته تا کنون، نه به دلیل تناسب با زنجیره‌های تولید و توزیع، مزیتها و ساختار اقتصادی مناطق، بلکه صرفاً بر امکان دستیابی به فرصت شغلی و سرمایه‌گذاری با داشتن سود مورد انتظار مبتنی بوده است.

این نگرش اساساً ناشی از تفکر و اندیشه حاکم بر بخش تعاونی نبوده بلکه آفتی است که سالیان متمادی، مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور و به تبع آن بخش تعاونی را دربر گرفته و تا کنون خط مشی بنیادین برای مقابله با آن تدوین نشده است. ادامه این نگرش در شرایط کنونی که تجهیز سرمایه را متفاوت با بافت و ساختار و مزیت نسبی اقتصادی مناطق هدایت و توصیه می‌نماید، عملاً تعاونیها را در نیمه راه فعالیت، دچار سردرگمی، آشفتگی و نهایتاً رکود نموده و تحرک و رونق اقتصادی در این بخش را با مشکل جدی مواجه می‌نماید.

خروج از این بحران، دقیقاً بر اندیشه‌ای تکیه خواهد داشت که با ایجاد نهاد اجرایی نیرومند و مردمی در قالب تعاونی، تلفیق بهینه‌ای از فعالیتها را متناسب با زنجیره‌های تولید و توزیع، مزیتها و ساختار اقتصادی مناطق فراهم نماید.

چرا که عمده‌ترین مشکل در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، فقدان نهادهای اجرایی نیرومند و مردمی در فعالیتهای اقتصادی می‌باشد و عملاً دولت‌ها متولی انجام وظایف نهادهای مردمی در پهنه اقتصادی می‌باشند. از این رو، ادامه این روند نظریه نسل جدیدی از اقتصاددانان را که بر این باورند کشورهای در حال توسعه در ایجاد نهادهای اقتصادی مهارت کافی نداشته و ضعیف می‌باشند، کاملاً تایید می‌نماید.

نگرش جدید در ارائه وضعیت مطلوب بدین نکته اساسی توجه دارد که اصولاً تعاون از مقوله اموراجتماعی بوده و خاستگاه آن در تنظیم روابط اجتماعی تولید و توزیع تبلور می‌یابد.

در این نگرش، تشکیل تعاونیها در قبل از انقلاب اسلامی در مناطق روستایی و شهری مورد توجه قرار گرفته و بر این نکته تاکید دارد که فعالیتهای کشاورزی روستاییان با تشکیل تعاونیهای روستایی ساماندهی شده و در مناطق شهری، کالا و محصولات کشاورزی با حذف واسطه‌های غیرضرور مستقیماً به دست مصرف‌کننده رسانیده شود.

بررسیها نشان می‌دهد در صورت تحقق اهداف تعیین شده در تشکیل اینگونه تعاونیها، بخش عمده‌ای از مشکلات تولیدکنندگان روستایی و نیز مصرف‌کنندگان شهری مرتفع و فعالیتهای اقتصادی روستایی و شهری، ارتباطی منطقی و به سامان پیدا خواهد کرد.

هر چند تلاشهایی برای گسترش بخش تعاون از قبل تا کنون صورت پذیرفته، مع الوصف برنامه‌ریزیهای انجام شده به علت حاکمیت و تسلط مأموران دولتی در اداره اینگونه تعاونیها، عملاً به صورت ضعیف و غیرمردمی به اجرا گذاشته شد و موجود ناقص‌الخلقه‌ای از این پدیده مردمی در دامن مدیران و دست‌اندرکاران دولتی پدید آمد که آرام آرام اهداف تعیین شده در تشکیل اینگونه تعاونیها را با کاستی‌های فراوان مواجه نمود که امروزه همگان شاهد و ناظر برآنند که تعاونیهای روستایی که با هدف ساماندهی فعالیتهای کشاورزی روستاییان تشکیل یافته بود عملاً به تعاونیهای توزیعی و کوچکی تبدیل شده که چه بسا قادر به ادامه حیات فعلی خود نیست و این در حالی است که کمترین اثر را از شرکتهای تعاونی شهر و روستا که با هدف کمک به اصلاح نظام توزیع شهرها برنامه‌ریزی و به اجرا گذاشته شده بودند، مشاهده می‌کنیم.

با پیروزی انقلاب اسلامی، عمده‌تأ تشکیل تعاونیها با هدف ایجاد فرصتهای شغلی برای جویندگان کار، پی‌ریزی و به تبع آن تشکیل تعاونیهای تولیدی در بخشهای صنعتی، معدنی و کشاورزی در سرفحوه برنامه‌های دست‌اندرکاران قرار گرفت. این روند تا زمان تشکیل وزارت تعاون استمرار یافت و انتظار بر آن بود تا با اهداف ارزشمند تعیین شده در قانون بخش تعاونی اقتصاد ج.ا.ا. دو مانع اساسی در شکل‌گیری تعاونیها در قبل و بعد از انقلاب اسلامی که اولی دخالت دولت در اداره تعاونیها (در امور تعاونیهای روستایی و شهری) و دومی تشکیل تعاونیها صرفاً با هدف ایجاد فرصتهای شغلی و سهم‌یابی در تولید ناخالص ملی می‌باشد را از پیش روی برداشته و با نگرشی عمیق‌تر و واقعی‌تر، این بار شاهد حضور گسترده این بخش و اثربخشی آن در اصلاح ساختار نظام اقتصادی کشور باشیم.

۲- وضعیت مطلوب

وجود امکانات و مواهب سرشارالهی و نیروی انسانی مستعد در هر یک از مناطق مختلف کشور و لزوم شکوفاسازی استعدادهای بالقوه آن از طریق مشارکت همگانی مردم و همچنین تلاش در جهت برقراری عدالت اجتماعی و رفع تبعیض در سرمایه‌گذاریها و نیز ایجاد اشتغال مولد برای افراد آماده

کشاورزی و هم چنین وجود توانمندیهای فراوان در بخش‌های صنعتی و خدماتی همگن در مناطق مختلف از جمله مزینتهای نسبی اقتصادی می‌باشند که به علت فقدان یک نهاد اجرایی نیرومند و مردمی از رشد و توسعه مناسب برخوردار نبوده و چه بسیار مناطقی از این قبیل که با مشکل جدی عدم سرمایه‌گذاری جدید و از بین رفتن سرمایه‌گذارهای قبلی و بالطبع مهاجرنهای بی‌رویه و خالی شدن سکنه مواجه بوده و منابع اقتصادی سرشار و مواهب الهی فراوان آنها در معرض فرسودگی و نابودی قرار گرفته است البته مناطقی نیز با اندک توجه و نهادسازی مردمی (در قالب شرکت تعاونی) در آن همچون منطقه رفسنجان، از تحول شگرف اقتصادی برخوردار شده به ترتیبی که از اوایل دهه ۶۰ سطح زیر کشت باغات پسته این تعاونی از حدود ۳۰ هزار هکتار به ۲۰۰ هزار هکتار افزایش یافته است و در نتیجه حجم تولید نیز از ۱۵ هزار تن در سال به ۲۰۰ هزار تن افزایش یافته است. برنامه‌ریزان اقتصادی امروزه با تکیه بر اندیشه نهادسازی در عرصه‌های اقتصادی سعی می‌کنند تا فعالیت‌های اقتصادی به گونه‌ای در فضای منطقه‌ای آرایش داده شوند که زنجیره‌های تولید و توزیع نیز با پیش‌بینی حلقه‌ها در یک محیط و با ایجاد نظم اساسی، عملاً بهره‌گیری اصولی از منابع را به حداکثر رسانیده و از انلاف و به هدر رفتن مواهب الهی جلوگیری نمایند.

طبیعی است تا استقرار فعالیت‌های اقتصادی همگن در یک محیط، ضمن تخصیص بهینه امکانات و ارایس منطقی فعالیت‌ها به صورت زنجیره‌ای، موجبات کاهش هزینه‌های تولید، افزایش میزان بهره‌وری و بالطبع اقتصادی شدن فعالیت‌ها فراهم می‌شود. از سویی با هدایت و حمایت و نظارت دولت و هم چنین مشارکت مردمی در قالب به‌کارگیری نیروی انسانی و استفاده از سرمایه‌های اندک مردمی می‌توان با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، بر معضل بیکاری فائق آمده و موجبات تعادل اقتصادی و اجتماعی را به وجود آورد.

با اتخاذ این راهبرد، مشکلات و نیازهای اقتصادی مردم با وجود داشتن نهاد و تشکیلات مناسب مردمی در ارتباط برنامه‌ریزان با مردم آسانتر و آگاهانه‌تر خواهد شد و از سویی دیگر سیاست‌های عمومی کشور که در جهت عدم تمرکز، کوچک کردن دولت، واگذاری امور به مردم و برقراری عدالت اجتماعی با تاکید بر مشارکت احاد ملت در انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، سهل‌تر و روان‌تر محقق خواهد شد.

ب - اصلاح ساختار نظام توزیع کشور

اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، تحت تاثیر عوامل محدود کننده داخلی و خارجی دورانهای مختلفی از رونق و رکود را طی نموده است. این فراز و نشیب‌ها اکثراً ناشی از پیامدهای مقابله و دشمنی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی و نوسانات درآمد نفتی و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش تولید، افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی، تورم قیمتها و رویکرد بخش

به عبارتی دیگر اصولاً پدیده تعاون با توجه به ویژگی آن، سعی می‌کند تا به گونه‌ای ساختارهای سازنده و مطلوب را برای همگرایی و هماهنگی بین فعالیت‌های اقتصادی فراهم نماید. با این نگرش تعاون به دنبال ایفای نقشی اساسی و کلیدی در سازمانهای اقتصادی بوده و استراتژی و راهبرد بنیادی آن بر ایجاد نهادهای اقتصادی استوار می‌باشد. طبیعتاً این نگرش به دست‌اندرکاران و مدیران بخش تعاونی این امکان را می‌دهد که تشکیل تعاونیها را دقیقاً منطبق با زنجیره‌های تولید و توزیع و ساختارهای اقتصادی مناطق مختلف کشور مورد توجه قرار داده تا شاهد رونق و تحرک اقتصادی هر چه بیشتر در نظام اقتصادی کشور باشیم، این در صورتی است که با شناخت اجمالی از وضعیت موجود تعاونیها، به این نکته اساسی پی می‌بریم که اصولاً نگرش مدیران و برنامه‌ریزان در گذشته با هدف صرفاً ایجاد فرصت‌های شغلی ترسیم یافته و تشکیل تعاونیها متناسب با زنجیره‌های تولید و توزیع و ساختارهای اقتصادی مناطق مختلف کشور صورت نپذیرفته است، به عبارتی این نحوه نگرش عملاً پدیده تعاون را از مقوله امور اجتماعی خارج نموده و تعاونیها را با مشکل جدی و رکود مواجه ساخته است.

براین اساس و برای تبیین جایگاه واقعی بخش تعاونی در نظام اقتصادی کشور، لزوم بازنگری در راهبردها و سیاست‌های اجرایی بخش تعاونی امری اجتناب‌ناپذیر بوده که برای رسیدن به وضعیت مطلوب، دو خط مشی:

الف - اصلاح ساختار نظام اقتصادی فعالیت‌ها

ب - اصلاح ساختار نظام توزیع کشور را به عنوان راهبردی اساسی در نظام اقتصادی کشور پیشنهاد می‌نماییم. ضمناً در راستای این دو خط مشی، نمونه‌هایی از طرح‌های جدید که تهیه شده ارائه خواهیم نمود.

الف - اصلاح ساختار نظام اقتصادی فعالیت‌ها:

اصولاً وجود آب، خاک، اقلیم و نیروی انسانی مستعد در سطح مناطق مختلف کشور، عموماً یک یا چند فعالیت خاص را بر سایر فعالیت‌ها ترجیح نموده است. توجه به این ویژگی و رشد و توسعه آن، می‌تواند موجب شکوفایی هر چه بیشتر نظام اقتصادی یک منطقه را فراهم ساخته و زمینه‌های ایجاد اشتغال گسترده، افزایش درآمد خانوار، اقتصادی نمودن فعالیت‌ها، کاهش هزینه‌ها و افزایش تولید ناخالص داخلی را مهیا نماید.

اینک وقت آن رسیده تا با برنامه ریزی صحیح و تشکیل تعاونیهای متناسب با مزینتهای نسبی اقتصادی مناطق مختلف کشور به عنوان نهادهایی نیرومند و مردمی بستر مناسب برای توسعه متوازن و همه‌جانبه را فراهم ساخته، تا تلفیقی بهینه و منطقی از امکانات مادی و معنوی هر منطقه با سرمایه‌های اندک و پراکنده مردم فراهم گردد و بر این نظریه جمعی از اقتصاددانان که ملت‌های فقیر و توسعه نیافته و چه بسا در حال توسعه، در نهادسازی مهارت کافی نداشته و کاملاً ضعیف هستند فائق آئیم. برنج، چای، پنبه، ابریشم و زیتون شمال، خرما جنوب، زعفران خراسان، انگور تاجکستان و شاهرود، انار ساوه و... در بخش

خصوصی به فعالیتهای خدماتی و توزیع سنتی و نتیجتاً عدم استفاده از ظرفیتهای تولیدی کشور، کاهش تولید ناخالص ملی، توزیع ناعادلانه درآمد ملی و توسعه بی‌رویه بخش خدمات بازرگانی داخلی و خارجی غیرمفید خودنمایی نموده است.

پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی، دولت با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، اقداماتی در جهت تغییر بنیادی ساختار اقتصادی و مقابله با روند ناسالم نظام توزیع انجام داده و در زمینه هدایت مردم به سرمایه‌گذاری در شبکه‌های توزیع فروشگاههای زنجیره‌ای برای تامین نیازهای اساسی معیشتی جمعیت روزافزون کشور برنامه‌ریزی‌هایی را معمول نموده است. با وجود این، به دلیل منسجم نبودن سیاستهای اجرایی دولت در نظام توزیع کشور، بخش خدمات متورم‌تر شده و بخش خصوصی سهم عمده‌ای از توزیع کالا را به خود اختصاص داده و با کسب درآمدهای عمده، نقدینگی انبوه نامتناسب با ظرفیتهای تولیدی جامعه در دست این گروه قلیل متمرکز گردیده و در نتیجه جامعه را با فشار تورمی شدیدی مواجه کرده است.

یکی از عوامل عمده و موثر در نابسامانی نظام اقتصادی کشور وجود فاصله طولانی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نهایی است. درآمدهای سرشار و کاذب در بخش دلالی و واسطه‌گری عاملی موثر در ایجاد این افت اقتصادی می‌باشد. یافتن راه حل برای کویا کردن فاصله بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جهت رشد اقتصادی کشور امری حیاتی بوده و عدم توجه به آن می‌تواند چرخه اقتصادی کشور را دچار رکود نموده و چه بسا آن را به بحران و بن‌بست مواجه نماید.

در این راستا برقراری ازسباط بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و تشویق و ترغیب مشارکت عامه مردم در بکار بردن سرمایه‌های خود در فعالیتهای تولیدی و توزیعی به منظور کم کردن هزینه‌های تمام شده کالا و کسب درآمد برای سرمایه‌گذاران و از بین بردن آفت اقتصادی واسطه‌گری غیر ضرور و ایجاد شبکه‌های توزیع سالم و عادلانه در نظام اقتصادی کشور اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

در این بخش نگاهی به نظام توزیع سنتی کشور داشته‌اند. نگاه طرح تشکیل شرکتهای تعاونی شهروند در جهت ایجاد و توسعه شبکه فروشگاههای زنجیره‌ای را به عنوان راه‌کاری اساسی در نوسازی و اصلاح نظام توزیع کشور مطرح خواهیم کرد.

نگاهی به نظام توزیع سنتی کشور

رسالت اصلی نظام توزیع در اقتصاد هر کشور این است که با کمترین هزینه، کالا و خدمات (ثروت‌های قابل مصرف) را از تولیدکننده به مصرف‌کننده (مصرف‌کننده نهایی بدون واسطه) برساند. در این میان بنابر تعریف، خرده‌فروشی به مجموعه نهادها و اشخاصی گفته می‌شود که کالا یا خدمات را به مصرف‌کنندگان نهایی می‌رسانند.

طبق گزارش‌های مرکز آمار ایران در پایان سال ۱۳۷۲، مجموع واحدهای فروش کالا در کشور حدود ۶۱۸ هزار واحد



برنامه‌ریزان اقتصادی امروزه با تکیه بر

اندیشه نهادسازی در عرصه‌های اقتصادی

سعی می‌کنند تا فعالیتهای اقتصادی به گونه‌ای

در فضای منطقه‌ای آرایش داده شوند که

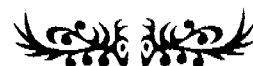
زنجیره‌های تولید و توزیع نیز با پیش‌بینی

حلقه‌ها در یک محیط و با ایجاد نظمی اساسی،

عملاً بهره‌گیری اصولی از منابع را به حداکثر

رسانیده و از اتلاف و به هدر رفتن مواهب الهی

جلوگیری نمایند.



بوده است که بیش از ۷۰ درصد آنها تنها یک نفر شاغل داشته‌اند. بنابراین همین گزارش، جمع کارکنان این واحدها بیش از ۹۰۰ هزار نفر بوده است.

همچنین در میان این ۶۱۸ هزار واحد، فقط ۹۳۰ واحد بیش از ۱۰ نفر و ۳۷۴ واحد بیش از ۲۰ نفر شاغل داشته‌اند. بدیهی است امکان بهره‌گیری تکنولوژی جدید و مدرنیزه کردن این بخش، با وضع موجود و پراکنده اما گستره فعلی وجود ندارد!

در عین حال، اگر تعداد واحدهای بدون پروانه را که چون قارچ در این چند ساله از زمین روئیده‌اند به این گروه اضافه کنیم، به راحتی به رقم حدود یک میلیون و هشتصد هزار واحد (بالای ۳۰ نفر در مقابل هر واحد) می‌رسیم. این رقم به خودی خود، در مقایسه با کشورهای غربی (بالای ۲۵۰ نفر در مقابل هر واحد) و ژاپن (بالای ۱۱۰ نفر در مقابل هر واحد) بسیار بالاست. به ویژه این که توجه کنیم که تعداد این واحدها نسبت به جمعیت آن کشورها به طور سالانه در حال کاهش است، در حالی که در کشور ما تغییری در این نسبت به چشم نمی‌خورد.

طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، در آبان ماه سال ۱۳۷۵، جمعیت کشور حدود ۱۲/۵ میلیون (۱۲/۴ میلیون) خانوار معمولی بوده که ۵۴/۲ درصد از آنها شهرنشین و ۴۵/۸ درصد در روستاها سکونت داشته‌اند. بنا بر همین آمار، متوسط جمعیت هر خانوار ۴/۷۷ نفر بوده است.

بنا بر گزارش دیگری، متوسط هزینه سالانه زندگی یک خانوار معمولی شهری (به قیمت‌های جاری)، در سال ۱۳۷۴ به حدود ۸۸۸ هزار تومان و متوسط درآمد این خانوارها به ۸۳۸ هزار تومان رسیده است. ضمناً متوسط هزینه سالانه یک خانوار معمولی روستایی، در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۹۵ هزار تومان و متوسط درآمد سالانه آن ۴۵۶ هزار تومان بوده است.

در نتیجه با احتساب درصدهای فوق در سال ۷۴، متوسط هزینه زندگی هر یک خانوار ایرانی (شهری و روستایی) حدود ۷۸۰ هزار تومان بوده است. بنابراین جمع هزینه‌هایی که کلیه خانوارهای ایرانی می‌توانسته‌اند در سال ۱۳۷۴ هزینه نمایند، حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

مبلغ فوق نهایت فروش سالانه کلیه واحدهای فروش کالا و خدمات مورد احتیاج مردم کشور می‌باشد. با این شرایط هر واحد برای بالا بردن درآمد خود، سعی خواهد کرد تا آنجا که بتواند افزایش قیمتی را به مصرف‌کننده تحمیل نماید، که به لحاظ گستردگی این واحدها اعمال نظارت دولت بر آنها نیز مقدور نمی‌باشد. به عنوان مثال، اگر فرض کنیم هر کدام از این گروه یک میلیون و هشتصد هزار واحدی به درآمد سالانه حدود یک میلیون تومان (تقریباً نزدیک به متوسط هزینه سالانه یک خانوار) قانع باشند، معادل این است که بگوییم، مصرف‌کنندگان ایرانی فقط بابت تامین همین یک قلم،

ناید جمعاً چیزی حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان، اضافه بپردازند که خود بیش از ۱۰ درصد کل هزینه‌های مصرفی خانوار در کشور می‌باشد.

بنابراین با احتساب جمعیت هر خانوار، رقمی در حدود ۷ تا ۹ میلیون نفر از جمعیت کشور از سفره توزیع ارتزاق می‌کنند و اگر در نظر بگیریم که در این هزاران عده، خود اقمیه‌ها نمی‌دانند، اما توقع لقمه‌های بسیار چرب و نرم و سوده‌های میلیاردی هم دارند (و به دست هم می‌آورند)، آن وقت به بار عظیم تورمی و اثر ضد توسعه‌ای که نظام توزیع سنتی کشور به مصرف‌کنندگان ما تحمیل می‌کند بهتر پی می‌بریم.

به طور خلاصه، کنترل ناپذیری ناشی از پیر تعداد بودن و پراکندگی غیرمعتول نظام خرده‌فروشی سنتی یکی از اشکالات مهم ساختاری آن و از عوامل مهم تشدید تورم در جامعه است. از دیگر اشکالات ساختاری این نظام، تعداد مراحل دست به دست شدن کالا، از نقطه تولید تا رسیدن به دست مصرف‌کننده نهایی می‌باشد. یعنی طی مراحل متعدد واسطه‌گری که هر بار هزینه‌های غیرلازم و ضایعات و تخریب کیفیت به خاطر نگهداری و جابجایی غیرعلمی بر کالا بار می‌شود، بدون اینکه کمترین ارزش افزوده‌ای در آن ایجاد شود.

آن چه که مسلم است وجود یک مرحله واسطه بین تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی یک الزام اقتصادی است. این واسطه هم می‌تواند تولیدکننده را حمایت و هدایت کند و هم اطلاعات ارزنده‌ای نسبت به کالا در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. لذا عمده فروش چنانچه به درستی عمل نماید، می‌تواند نقشی سازنده در اقتصاد ملی بر عهده داشته باشد. اما در نظام توزیع سنتی ما گاه در همین یک مرحله تا ۱۰ بار دست به دست شدن بیهوده کالا را شاهدیم.

نقطه ضعف دیگر نظام توزیع سنتی کشور، امکان دامن زدن به عطفش، مصرف و ایجاد تورم در جامعه است. این نقطه ضعف که خود ناشی از فقدان شبکه اطلاعات علمی، گستردگی و نظارت‌ناپذیری آن است، به راحتی امکان بازیهای پشت پرده، احتکار و ایجاد کمبودهای ساختگی و کسب سودهای غیرعادلانه را به وجود می‌آورد.

اساساً در شرایط کنونی جهان، توسعه بدون بکارگیری وسیع علم و تکنولوژی در تمام بخشهای اقتصاد جامعه ممکن نیست. تورم و گستردگی بی‌منطق نظام توزیع کشور، عامل بازدارنده در مقابل نوسازی آن بوده و امکان وارد کردن عناصر واقعی علم و تکنولوژی را به یکی از مهسرين بخشهای اقتصادی کشور (یعنی توزیع) نمی‌دهد.

از سویی تورم ناشی از نابسامانی در نظام توزیع، به سرعت ثمرات رشد اقتصادی را خنثی می‌کند و ثروت تولید شده در جامعه را تنها نصیب اقلیتی ناچیز از جامعه کرده و عامه مردم را از چشیدن طعم ثمرات سرمایه‌گذاران محروم می‌نماید. این امر به نوبه خود انگیزه مشارکت در سازندگی و توسعه را از مردم سلب و امکان سرمایه‌گذاری و فعالیت در تولید را از عموم



تولیدکنندگان می‌گیرد، که این عاملی بسیار موثر بر پایین آمدن بهره‌وری در اقتصاد ملی خواهد بود.

البته چنانکه گفته شد با توجه به این نابسامانی‌ها، در مجموع نظام سنتی فعلی اثری منفی بر توسعه اقتصاد ملی داشته و راه‌حلی نیز به شرطی از کارآیی بیشتری برخوردار خواهند بود که ضمن مرتفع کردن نسبی نقاط ضعف، حتی‌الامکان بتواند مزیت نظام توزیع سنتی را که همانا دسترسی آسان و ارشاد شخصی فروشنده و مشتری می‌باشد، در خود حفظ نماید.

با توجه به ملاحظات فوق نمی‌توان دیگر همچون گذشته، به دلیل یا بهانه حمایت از تولید، نسبت به نظام توزیع در جامعه بی‌توجهی و حتی بی‌مهری نشان داد. در این

غیرممکن، حداقل بسیار کم بازده و پرهزینه خواهد بود. این واقعیت که تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عظیم زیربنایی و تولیدی چندساله گذشته کشور، اثری محسوس بر بهبود زندگی مردم و افزایش ارزش ریالی نداشته، شاهدی روشن بر این مدعاست.

آن چه که مسلم است یک زنجیره بزرگ و مدرن، با امکانات عظیم مادی تخصصی و اطلاعاتی خود ۱- همچون یک رقیبی قدرتمند و عادل، کسبه غیرمنتصف را از میدان بیرون می‌کند.

۲- با عرضه سراسری کالا در دید مردم، عطش خرید و مصرف غیرضرور کاهش یافته و تورم کنترل شود. ۳- به صورت یک اهرم نظارتی و هدایتی نیرومند در دست دولت، در موارد ضرورت می‌تواند از نوسانات ناگهانی بازار و تکان‌های شدید در اقتصاد جلوگیری نماید. ۴- به طور مستقیم و هم‌چنین به صورت یک الگو می‌تواند روش‌ها و تکنولوژی مدرن را در نظام توزیع کشور وارد نماید. ۵- به تدریج تکنولوژی روز را در خسرده‌فروشی کشور وارد نسماید. ۶- با کمک به تولیدکنندگان کوچک، از طریق تأمین نقدینگی و اعطای تسهیلات می‌تواند جریان تولید اقلام ضروری را در جامعه حمایت و هدایت نماید. ۷- با وارد نمودن روش‌های علمی و تکنولوژیک، بهره‌وری عملیات توزیع و فروش در کشور را بالا ببرد. ۸- و با ارائه خدمات بهتر و کنترل کیفیت سطح آگاهی و رضامندی عمومی را افزایش دهد.

بدین گونه تشکیل شرکت‌های تعاونی شهروندی ایجاد کننده فروشگاه‌های زنجیره‌ای در حدود ۱۰۰۰ شهر کشور، پاسخی اساسی برای رفع نارسایی‌های نظام توزیع و رادکاری بنیادی و استراتژیک در توسعه اقتصاد ملی خواهد بود.

شرایط که زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های تولیدی تا حد معقولی در کشور ایجاد شده و توسعه یافته‌اند، به جرأت می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای اصلاح و نوسازی بخش توزیع در قالب ایجاد و توسعه شبکه فروشگاه‌های زنجیره‌ای از راه کارهای اصلی و مهمترین اولویت‌های استراتژیک توسعه اقتصاد ملی است.

شرکت‌های تعاونی شهروندی به عنوان راهکاری اساسی در اصلاح نظام توزیع کشور

با تشکیل شرکت‌های تعاونی شهروندی علی‌الخصوص در سطح شهرهای کشور قادر خواهیم بود یک شبکه سراسری فروشگاه‌های زنجیره‌ای، با امکانات وسیع و با مشارکت گسترده مردمی در سراسر کشور ایجاد نموده و بخش اعظم نارسایی نظام توزیع سنتی را مرتفع و در عین حال، چون یک اهرم هدایتی و نظارتی نیرومند در دست دولت مجموعه این نظام را نوسازی نماییم.

در دنیای فراصنعتی و عصراطلاعاتی کنونی، اساساً ادامه رشد و توسعه اقتصاد ملی بدون نوسازی و مدرنیزه کردن این بخش بسیار مهم از اقتصاد کشور ممکن نیست. در یک کلام بخش خرده‌فروشی ارزش‌افزوده را که در بخش‌های تولیدی کشور ایجاد می‌شود را به طریقی ناعادلانه می‌بلعد و از این طریق، انگیزه و رمقی برای تولیدکنندگان در کشور باقی نمی‌گذارد. لذا به جرأت می‌توان گفت تا زمانی که این بخش اصلاح نشود و روح دانش و تکنولوژی روز در آن دمیده نشده و امکان کسب سودهای غیرمنطقی از آن سلب نگردد، ادامه توسعه اقتصاد ملی اگر نگویم